



عقاب

ارگان تئوریک - سیاسی سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان

Theoretical & Political Organ of Marxist-Leninist Organization of Afghanistan (M.L.O.A)

عقرب ۱۳۹۲ (نوامبر ۲۰۱۳)

سال سوم

شماره هشتم

درین شماره می خوانید :

| | |
|---------|---|
| صفحة ۱ | رسوائی انتخابات در افغانستان نمودی از رسوائی امپریالیسم امریکا! |
| صفحة ۴ | سلسله آموزش های اندیشه پیشرو عصر - ضمیمه درس چهارم |
| صفحة ۸ | گلوژه های شعر و ادب |
| صفحة ۹ | گزارش اشتراک در کنفرانس قاره آسیائی آیکور در کتمندو |
| صفحة ۱۴ | مختصری از مسوده گزارش کمیته انسجام قاره نی آسیا |
| صفحة ۱۶ | پیام های ارسالی و دریافتی |
| صفحة ۱۷ | اعلامیه کنفرانس قاره ای آسیا |
| صفحة ۱۸ | پیام به کنفرانس سازمان انقلابی زنان سراسر هند |
| صفحة ۱۹ | ضمایم انگلیسی گزارش |

رسوائی انتخابات در افغانستان نمودی از رسوائی امپریالیسم امریکا!

در این روزها "دندوره" انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی از هرسوشنیده میشود. رسانه های همگانی رسمی در کشور (اعم از سمعی و بصری) از یک سال پیش بدینسو از برگزاری انتخابات، تمام هم خود را برای این منظور به کار گرفته ومی گیرند تا مگر مردم را ترغیب به شرکت در انتخابات بنمایند. همچنان دولتمداران و عمال دست پرورده امپریالیسم امریکا (اعم از اپوزیسیون وغیر آن) شیدانه و کاسبکارانه با عبارات زیبا و فریبنده مردم را به شرکت در انتخابات تشویق می نمایند. مبالغ گزافی که در این راستا به مصرف میرسد، از چشم تیزبین مردم ما نمیتواند پنهان بماند. این مهم نیست که آنها چنین تبلیغاتی را به راه می اندازند، مهم این است که عده ای از انقلابیون دیروزی - که نام چپ و مارکسیست را

تاکنون نیز (در محافل خاصی) با خود یدک میکشند ولی در واقع به آرمان خود پشت کرده و از مارکسیسم-لنینیسم دست کشیده اند - نیز همصدا با این طیف خائنین ملی و وابستگان سرسپرده امپریالیسم، در این اغواگری سهم "افتخارآمیز" دارند. بدتر از همه اینکه این نوع فعالیت خود را "کاردموکراتیک" می‌انگارند.

انقلابیون راستین طبق روح و اصول عام مارکسیسم-لنینیسم به تحلیل و ارزیابی اوضاع جاری مبادرت می‌ورزند و وضعیت مشخص سیاسی را در مرکز دقت خود قرار می‌دهند. کسانی که خصوصیات عینی زمان را نادیده می‌گیرند، طبعاً پندارگرایانه برداشت‌های ذهنی خود را به جای واقعیات عینی و انکار ناپذیر قرار داده و با تخطی از اصول عام ماتریالیسم دیالکتیک، حقایق درخشان را کتمان نموده و به تبع آن نظریات نادرست را پندارگرایانه و اندرزوار به دیگران عرضه می‌کنند؛ و به موازات آن شعارهایی را مطرح مینمایند که با تعمیل آن آب به آسیاب دشمن میریزند.

هم اکنون دون فطرتانی که "درسایه ارتداد عمومی" از مارکسیسم-لنینیسم دست کشیده اند، به این امر "شریف" مشغول اند. آنها بامساعی بد فرجام درصدد واقعی جلوه دادن شعار دموکراسی کاذب و وارداتی امپریالیسم امریکا و شرکای جرمش هستند. این طیف با اتخاذ چنین موضعگیری سیاسی رویزونیستی، شعار استفاده از دموکراسی و پروسه انتخابات را در مرکز دقت خود قرار داده و مشغول میزان "سنگینی کیسه های پول" و وعیدهای مناصب بلند دولتی می‌باشند؛ و این آرزوهای مکنون خود را با سرخاب دموکراسی آرایش می‌دهند. دیگران نیز حق دارند بپرسند که کدام دموکراسی؟!

خود مفهوم "دموکراسی" بیانگر وجود طبقات گوناگون است، و خواست دموکراسی کاملاً طبقاتی است، یعنی دموکراسی برای کدام طبقه؟ مارکسیسم-لنینیسم به ما می‌آموزد: تا زمانی که طبقات وجود دارند، نمیتوان از "دموکراسی خالص" سخن به میان آورد "بلکه میتوان از دموکراسی طبقاتی سخن گفت... آنچه در تاریخ سابقه دارد دموکراسی بورژوازی است که جایگزین فنودالیسم میگردد و دموکراسی پرولتاری است که جایگزین دموکراسی بورژوازی میگردد". (لنین، دوتاکتیک سوسیال دموکراسی...)

این یک حقیقت مسلم است که "دموکراسی بورژوازی نسبت به اصول فنودالی مترقی است" ولی درکشورما کجا است آن طبقه بورژوازی ملی که در برابر اصول فنودالی به مقابله بپردازد؟ آن عصر اکنون سپری گشته است که بورژوازی موضع مترقی، ملی و انقلابی داشت. لنین در سال ۱۹۱۶ در مقاله خود (اپورتونیسم و ورشکستگی انترناسیونال دوم) گفته است که: "عصر امپریالیسم سرمایه داری، عصر سرمایه داری نضج یافته و از حد نضج گذشته ای است که در آستانه سقوط خود ایستاده است... دوران سالهای ۱۷۸۹ - ۱۸۷۱، عصر سرمایه داری مترقی یعنی عصری بود که در آن سرنگون ساختن فنودالیسم و حکومت مطلقه و رهایی از یوغ بیگانگان در دستور روز تاریخ قرار گرفته بود". خواست دموکراسی از طرف بورژوازی ملی نوحاسته کشورهای "شرق" مانند ایران، ترکیه، چین و افغانستان و سایر کشورهای ماقبل سرمایه داری - در آغاز قرن بیستم - از طرف امپریالیسم نوظهور به انحراف کشیده شد و درکشورما درنطفه نابود گردید. بناءً انجام اصلاحات دموکراتیک و مقابله با اصول مطلقه فنودالی درید توان بورژوازی ملی سرکوب شده نیست، و تاریخ - با توجه به سطح کنونی تکامل اقتصادی - این انقلاب و اصلاحات دموکراتیک را بردوش طبقه کارگر گذاشته است.

اگر مدافعین دموکراسی کذایی زیر تأثیر اباطیل کتاب "امپراتوری" و امثال آن رفته باشند - که تنوری تغییر ماهیت امپریالیسم را تلقین میکنند و آن را مدافع صلح و دموکراسی معرفی نموده اند - باید گفته شود که کدام نوآوری و ابتکاری نکرده اند. در تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی، این طرز تلقی سابقه طولانی دارد: کائوتسکی مرتد با ارائه تنوری "اولترا امپریالیسم" خود نیز امپریالیسم را صلح جو و مدافع دموکراسی معرفی نموده بود که مورد انتقاد شدید لنین قرار گرفت. رویزونیست های بومی ما نیز مانند فابین های انگلیسی می‌خواهند آقامنشان "ازبالا" و با اغماض بر اهداف شوم امپریالیسم جهانی و درغیاب زحمتکشان و ستمدیدگان - با شرکت خود در انتخابات و احراز مناصب دولتی و پارلمانی - نظر لطف خود را دریغ نورزند. در یازدهم نوامبر سال ۱۸۹۳ انگلس در نامه خود به زورگه می‌نویسد: "اینها [فابین ها] بورژوازی پُرکبری هستند که نظر لطف بزرگوارانه خود را از پرولتاریا دریغ نداشته، حاضر اند او را از همان بالا آزاد نمایند، ولی به شرط اینکه این توده مایل به فهم این موضوع باشد که با این خامی و بی

سوادى خود شخصاً نمیتواند خود را رهاى دهد وبدون نظرلطف اين وكلاى مدافع عاقل، اين ادبا واين خاله زنك هاى احساساتى قادر نيست به هيچ چيز نايل آيد".

علل راه اندازى تبليغات گسترده و درازمدت رژيم مزدور به خاطر تحقق انتخابات ۱۳۹۳ بازتاب خود را درواقعيت هاى ذيل به وضوح نشان ميدهد:

- از آنجا كه مردم، رژيم مونتاژشده كنفرانس بن را آله دست امپرياليسم امريكا وشركاى جرمش و به تبع آن، ادعاى دموكراسى و مبارزات پارلمانى آنان را، اغواگرى و كذب محض ميدانستند و ميدانند، درچهاردورانتخابات گذشته - آنطور كه توقع ميرفت - شركت نه كردند؛ وبه بيان ديگر سهمگيرى مردم در انتخابات سير نزولى خود را طى نمود. اين به نوبه خود جلوه ايست از مقاومت منفي مردم در برابر اشغالگران و رژيم مزدورش.

- چون اكثريت كانديدان - چهاردوره گذشته - به نحوى از انحاء متهم به خيانت بوده و دست شان آلوده به خون مردم بى گناه وحرمان كشيده ما است، يعنى خيانت، وابستگى و چاكر منشى شان اظهارمن الشمس واغماض ناپذيراست. لذا مردمى كه آگاه اند، ريختن رأى خود به جانبدارى از اشخاصى باچنين اوصاف را، ننگين وشرم آور تلقى نموده وعمداً از شركت در انتخابات اجتناب ورزيدند.

- با حضور و تسلط امپرياليسم متجاوز و تحميل خواسته هايش بر كشور مستعمره، تصورات انتخابات آزاد و دموكراتيك خيال باطليست كه از آن براى اغواى مردم استفاده ميشود، ومردم دانا اين را ميدانند و به انتخابات "نه!" ميگويند.

- مصارف گزاف كانديداتور- درجريان انتخابات - و درضمن مرموز و مجهول بودن منابع تمويل كننده آنها (كه عمدتاً منابع خارجى است)، فاكتر ديگرى بود كه "مستقل" بودن وغيروابستگى آنها را زير سوال ميبرد و بالطبع منتج به سلب اعتماد مردم نسبت به آنها ميگرديد؛ بديهى است كه استعمال رأى به جانبدارى از همچو افراد را خيانت به حق حاكميت مى و منافع خلق ميدانستند.

- به نسبت استيلاى رعب، اختناق و ترور(نابودى فزيكى رقيب)ان، برجو انتخابات، "آزاد وعادلانه" بودن برگزارى انتخابات، ادعاى پوچ وميان تهى از آب درآمد كه به نوبه خود موجب دورى گزىنى وبى تفاوتى مردم نسبت به آن شد.

واماعليرغم واقعيات وحقايق انكار ناپذير فوق، عوامل چندينى در برگزارى و انجام انتخابات مُمد واقع ميشود و ازتحریم كامل آن جلوگیری مینماید:

- فرهنگ كهنه و روبه زوال - كه بازتابى است از ساختار اقتصادى واجتماعى فرتوت وكهنسال فنودالى واستعمارى - زمينه ساز و تقويت كننده مواضع شخصيت هاى مرتجع وتاريك انديش بوده است. در سايه همين فرهنگ است كه سنخ هاى شخصيتى در جامعه كنونى مهر خوب و بد ميخورد و به اشخاص منفور و مرتجع شرايطى را تمهيد مينمايد كه كاذبانه سنخ باهنجار تلقى گردند. وبه بيان ديگر سالوسانه سياه را سفيد جلوه دهند و به چشم مردم خاك پياشند.

- درغياب نيروهاى مى ومترقى (بويژه نيروهاى چپ انقلابى وفقدان روشنگرى آنها)، عده اى از هموطنان ما تحت تاثير تبليغات فريبنده اشغالگران وايدى حلقه به گوش آنها - با بى ميلى تمام - براى انتخاب بد از بدتر قسماً درانتخابات اشتراك ميورزند كه البته اين ناگزيرى به همچوجه نبايد به معنای تانید رژيم دست نشانده تلقی گردد.

- به اثر فروكش نسبى ومقطعى جنبش انقلابى ومترقى (ملى و بين المللى)، زمينه تبارز و تسلط ناسيوناليسم انحرافى مساعد گشته و فرصت استفاده جويى از اين شرايط را براى نمايندگان سياسى تسليم طلب طبقات ارتجاعى فراهم نموده است. بنابر اين مذهب و ناسيوناليسم را به مثابه متمسكى به خاطر اغواى مردم مورد استفاده قرار ميدهند. درخور ذكر است كه ناسيوناليسم كنونى با ناسيوناليسم آوان ظهور سرمايه دارى مليت ها درگذشته، تفاوت فاحش دارد، زيرا كه مع الوصف داشتن پيشينه خواست هاى محدود وتنگ نظرانة خود، حايز وجهه مترقى نيز بود. ولى داعيه كنونى ناسيوناليسم كه عمدتاً به شكل قوم پرستى تبارز ميكند، دست اهرىمنى را پشت سر خود دارد كه به خاطر رسيدن به اهداف شوم ارتجاعى واستعمارى اش، به حيث "ستون

پنجم" از آن استفاده مینمایند. نمونه داعیه این چنین ناسیونالیسم فاجعه بار و مزدورمنش درکشورهای حوزه بالکان (بالاخص یوگوسلاویای سابق) پیش چشم ما است. ... با عطف توجه به این ملاحظات، میتوان گفت که ملیت گرایی محدود، و در واقع قوم پرستی، فاکتور دیگری برای تشویق و ترغیب مردم جهت شرکت در انتخابات است.

ما شاهدیم که استفاده سوء از این نقطه ضعف در جنگ های خونین تنظیمی، اختلافات قومی را به عمیق ترین حد ممکن خود (تضاد آشتی ناپذیر) رسانیده بود و خونهای بی گناهی را جاری ساخت. سایه تأثیرات منفی و نفاق افکنانه آن تاکنون نیز از اذهان زودده نشده است و بهترین دستاویزی است برای استفاده جویی اشخاص مغرض و نفاق افکن.

علیرغم وجود برخی از شروط مساعد متذکره فوق، هم اکنون نیز گرایش کلی بسوی تحریم انتخابات جهت عمده و مسلط را احراز مینماید. گرچه یک تن از ریزه خواران خوان یغمای اشغالگران طی یک کنفرانس مطبوعاتی - در پوهنتون امریکایی کابل - نابخردانه به دانشجویان چنین اظهار امیدواری نمود که: "چون در دو دور انتخابات گذشته ریاست جمهوری، رئیس جمهور برحال خود را کاندید نموده بود، لذا این امر باعث کاهش سهمگیری مردم در انتخابات شد. این بار که چنین نیست حتماً رقم رأی دهندگان سیر صعودی خواهد پیمود و از ۳ میلیون تجاوز خواهد کرد". برخلاف پنداشت فریبنده این کوتاه فکر، واقعیات عینی و بویژه تبلیغات گسترده و پرمصرف دولت پوشالی دال بر عدم تمایل مردم به شرکت در انتخابات (۱۳۹۳ش) است. همچنان به وخامت گراییدن وضعیت امنیتی بسیاری از حوزه های انتخاباتی، فاکتور دیگری است که بر کاهش رقم رأی دهندگان تأثیر قابل ملاحظه بی خواهد داشت. طبق اظهارات اخیر "کمسیون مستقل انتخابات"، مبنی بر تسلیم نشدن پکیج انتخاباتی از سوی ولایات (نورستان، زابل و پکتیکا)، گواه بارزی است بر وخامت اوضاع و فروکش رقم رأی دهندگان و بطلان سرتاسری بودن انتخابات. جدیت به وخامت گراییدن اوضاع امنیتی به حدی است که پارلمان افغانستان - مشرانو جرگه - ناگزیر شد که همین روزها باتوجه به اوضاع نا مساعد کنونی، روی به تعویق انداختن احتمالی انتخابات به بحث پردازد.

موضع سازمان ما چنین است که در کشور مستعمره افغانستان که تمام سرنوشتش را متجاوزان رقم میزنند، انتخابات بازی مسخره است که برای فریب مردم و قانونی جلوه دادن نظام دست نشانده متجاوزان، و بالاخر قانونی جلوه دادن تجاوز، راه اندازی شده است و لذا هرگونه شرکت نیروها و عناصر آگاه در آن به منزله تائید این توطئه و خیانت ملی است.

ترجمه از فرانسوی به فارسی

سلسله آموزشهای اندیشه پیشرو عصر

پیوست به گذشته - ضمیمه درس چهارم

بهره سالیانه

بهره دیفیر انسیبل (با ضریب متغیر - مترجم)

مارکس سود بدست آمده توسط صاحبان کارخانه را مقایسه می کند؛ سودی که برای دستیابی به آن عده ای از مالکان ابزار تولید، بخارمؤده توسط ماشین بخار را به عنوان قوه محرکی بکار می گیرند، و مالکان دیگری از قوه محرکه یک آبشار طبیعی استفاده می نمایند .

اگر قیمت تولید تا جایی که به قوه محرکه بخار، با میزان سود متوسط ۱۵ فیصد مربوط می شود ۱۱۵ باشد، قیمت تولید "بخار" قیمت تعیین کننده نرخ بازاری می باشد. اگر قیمت تمام شد کارخانه هائی که با قوه محرکه آبشارکار می کنند ۹۰ باشد، سود این مالکان ابزار تولید ۲۵ درصد می باشد، که از آنجمله ۱۰ درصد آن سود اضافی است که از بکاربرد این منبع طبیعی که رایگان می باشد، بدست آمده است؛ برخلاف ذغال سنگ که بایست استخراج می شد (اشاره به مثال قوه بخار- مترجم) .

مارکس توضیح می دهد (صفحه ۱۳۱۴) که: "سرمایه قادر نیست که چنین شرایط طبیعی تولید پربار را خلق کند، درحالیکه هر سرمایه ای می تواند آب را به بخار تبدیل نماید ."

"حال فرض کنیم (مارکس ادامه می دهد، صفحه ۱۳۱۵) که آبشارها، و همچنان اطراف آنها، در اختیار کسانی باشد که ما مالکان آن توتو زمین تلقی می کنیم، یعنی مالکان ارضی ... " آنها می توانند استفاده از آبشار را اجازه دهند و یا هم منع نمایند؛ اما سرمایه قادر به ایجاد آنها نخواهد بود. در نتیجه، سود اضافی بدست آمده از استفاده آبشار، مربوط به سرمایه نه بلکه بسته به استفاده از یک منبع طبیعی می باشد که می شود آن را انحصار نمود، چنانکه همانطور هم شده بود. در چنین حالتی، سود اضافی به بهره مالکانه تغییر شکل می دهد؛ یعنی اینکه حق صاحبان آبشار می شود ."

"هرگاه قیمت کالا بصورت عام آن را که از برکت آبشار بدست آمده ماخذ قرار دهیم، به خودی خود، آبشار به عنوان مالکیت خصوصی، هیچ ربطی به تولید اضافه ارزش (سود) ندارد" (صفحه ۱۳۱۶) . "این سود اضافی در صورتیکه مالکیت خصوصی موجود نمی بود، هم وجود می داشت ."

تا جایی که به بهره دیفیرانسیل (با ضریب متغیر) مربوط می شود، قیمت آبشار، یعنی قیمتی که در صورت فروش آن به دست مالک می رسید، در قیمت تولید کالا دخیل نمی باشد ."

بهره مطلق:

هرگاه نرخ های تولید زراعتی پائین تر از ارزش تولیدات باشند، در آن صورت بهره مطلق بوجود آمده می تواند. نرخ های تولید به دلیلی نازل تر از ارزش تولیدات اند که ترکیب ارگانیک سرمایه، یعنی میزان تولید کار، پائین تر از دیگر بخش های صنعت می باشد (پلی ید، صفحات ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲). اما این تفاوت به خودی خود موجودیت بهره مطلق را توضیح نمی نماید .

در شاخه های مختلف صنعت (صفحه ۱۳۷۲) بعد از انبار مجدد سرمایه ای که در سکتورهای مختلف تولید به مصرف رسیده اند، مجموع اضافه ارزش، به تناسب حجم سرمایه قبلاً به دوران انداخته شده و نه به تناسب کمیت تولید شده و شکل گرفته در کالا، تقسیم می گردد. فقط به این صورت است که سود متوسط و قیمت تولید، که سود متوسط شاخص آنست، بوجود می آیند. سرمایه ها بطور مداوم، از طریق رقابت، گرایش به تحقق اینچنین تساوی در تقسیم اضافه ارزش تولید شده توسط مجموع سرمایه و غلبه بر موانع دارند. در نتیجه، سرمایه ها تمام مازاد سود را که از تفاوت میان ارزش کالا و قیمت تولید شان بدست آمده محو می سازند، تا فقط آن اضافه مفادی را بحساب آورند که از فرق میان قیمت تولید (که تنظیم کننده مجموع بازار است) و قیمت تولید مشخص سکتورهای مختلف بدست می آید. پس این سود های اضافی میان دو سکتور تولید مختلف نبوده، بلکه در داخل هر حوزه قرار دارند .

"پس چنین برداشت می شود که هیچ چیزی در برابر رقابت سرمایه ها سد نمی شود" (صفحه ۱۳۷۳)

اما "در بعضی موارد، سرمایه با یک قوه خارجی برخورد می نماید که قادر به شکست آن نیست ... اگر این قوه مانع سرمایه گذاری آزادانه آن در بعضی سکتورهای تولید شود و یا فقط تحت شرایطی به آن اجازه دهد،

عملیه تساوی عمومی اضافه ارزش به سود متوسط، بطورکامل ویا قسمماً ناممکن می گردد. دراین چنین ساحات، مازاد ارزش کالا به مقایسه قیمت تولید شان مسلماً یک اضافه سود باری می آورد، که می تواند مبدل به بهره شود. "... پس مالکیت ارضی به عنوان قوه و مانع خارجی با سرمایه سرمایه گذاری شده در زمین به رویارویی می پردازد." (صفحه ۱۳۷۳)

اساس اقتصادی بهره:

"هرجائی که قوای طبیعی انحصار شده بتوانند و سود اضافی را برای صاحب صنعت که آنها را بکار می گیرد تضمین نمایند، چه آن قوای طبیعی آبشار باشد، چه معادن غنی، چه آبهای پر از ماهی، و چه هم زمین هائی با موقعیت خوب برای اعمار و ساختمان، آنکسی را که عنوان مالک و یاهم موقعیت اجتماعی صاحب این منابع طبیعی تشخیص می دهد، از سرمایه به دوران افتاده، این سود اضافی را در شکل بهره می رباید .

۱. موقعیت تأثیر قاطع و بس مهم بر بهره با ضریب متغیر دارد .

۲. عطالت کامل و آشکار مالک {...} عبارت از بهره کشی از پیشرفت تکامل اجتماعی می باشد، بدون آنکه برخلاف سرمایه دار صنعتی، در پیشبرد آن کار و تشریک مساعی نماید .

۳. در بسیاری موارد، قیمت انحصار در آن مسلط بوده و به خصوص استثمار بیشتر مانده بینوایان را ممکن می سازد." (صفحه ۱۳۸۳)

"به گونه ای که بخشی از جامعه از بخش دیگر در بدل حق زیستن بر روی زمین، باج می خواهد؛ بطور کلی ملکیت غیر منقول، امتیاز استثمار کرده زمین را اعطاء می کند :- اعماق زمین، حتی هوا، خلاصه هر آنچه که حیات را ممکن ساخته و آن را تضمین می نماید. تزئید بهره مالکانه لزوماً از

از دیاد نفوس و ضرورت روز افزون مسکن منتج می شود؛ اما علاوه بر آن، نتیجه انکشاف سرمایه ثابت است که جزء زمین شده، در آن ریشه می دواند، و در آن باقی می ماند..." (صفحه ۱۳۸۳)

قیمت زمین:

قیمت زمین سرمایه ای است که با میزان ربح عادی، با ربح مجموعی مساوی می شود به بهره (این به سرمایه مبدل شدن درآمد بهره است نه رابطه میان ارزش - کار). همچنان، قیمت زمین بالا می رود بدون آنکه بهره بالا رود در صورتیکه میزان ربح پائین آید؛ و برعکس آن .

قیمت انحصار:

"منظور ما از قیمت انحصار، فقط و فقط قیمتی است که بر اساس اراده خرید و توانائی پرداخت خریداران تعیین می شود؛ و مستقل از نرخ عمومی تولید و ارزش مبادله می باشد. می (شراب) بدست آمده از یک تاکستان با کیفیت بی نظیر، اما با ظرفیت تولید اندک، به نرخ انحصار به فروش می رسد." (صفحه ۱۳۸۴)

"مازاد قیمت در تناسب با ارزش آن، برای مالک تاکستان دارای مزایای خاص، به بهره مبدل می گردد." (صفحه ۱۳۸۴)

"این فقط القاب مالکیت بر کرده ارض است که به یک عده اشخاص اجازه می دهد که از اجتماع باج گرفته، و به هر پیمانان که تولید بیشتر انکشاف می یابد، کلانترین سهم اضافه کار جامعه را از آن خود سازند. باریکی

مسئله در اینست که تمام این ها در ورای فروش زمین به گونه فروش دیگر اشیای معمولی تجارتي پنهان است، بدون آنکه نرخ آن به چیزی که است نمایان گردد؛ یعنی بهره یی که از چرخش سرمایه حصول می شود."

"از دید (خریدار) همانگونه که ملاحظه نمودیم، بهره حاصله صرفاً بهره سرمایه ای است که به وی اجازه داد تا زمین را بخرد، و در عین حال، حق استفاده از بهره". (صفحه ۱۳۸۵)

"در نظم اقتصادی یک جامعه ای عالی تر از جامعه ما، حق مالکیت بعضی افراد بر کره زمین، به همان حد مضحک و پوچ به نظر خواهد رسید که حق مالکیت یک انسان بر انسان دیگر."

"خلاصه، اگر تساوی بخشیدن اضافه ارزش با سود متوسط {...} با انحصارات تصنعی یا طبیعی، و به خصوص به انحصار ملکیت ارضی، تصادم می نمود، بطوری که ظهور قیمت انحصاری را ممکن ساخته و بر نرخ تولید و ارزش کالای متأثر ازین انحصار فزونی می یافت، با آنهم حدود تحمیل شده به وسیله ارزش کالاها ناپدید نخواهد گشت. نرخ انحصار بعضی کالاها، به این کالاها قسمتی از بهره تولیدات دیگر را منتقل خواهد ساخت، و تقسیم ارزش اضافی میان بخش های مختلف تولید، از این ناحیه بصورت غیر مستقیم و محلی مختل خواهند شد، که روی هم رفته حد معین خود این اضافه ارزش را تعدیل نخواهد کرد.

اگر کالائی دارای نرخ انحصاری شامل نیاز استهلاکی کارگشود، باعث بلند بردن معاش و در نتیجه تنقیص اضافه ارزش خواهد شد؛ و این در صورتی است که کارگر به دریافت ارزش نیروی کار خود دوام دهد. کالای مذکور نخواهد توانست که معاش کارگر را به کمتر از ارزش نیروی کارش تقلیل دهد، تا آنجا که نرخ انحصار از حداقل لازم بالاتر نباشد. در متن فرانسوی مفهوم نرخ در این قسمت بحث ظاهراً واضح نیست و در برابر "نرخ انحصار" سوالیه گذاشته و بعد از آن کلمه "تبصره" را نوشته اند - مترجم. در این صورت، قیمت انحصار از معاش اصلی (یعنی از کمیت ارزش های مصرفی که کارگر در برابر عین مقدار کار دریافت می نمود)، و از سود کپتالیست های دیگر، وضع خواهد شد". (صفحه ۱۴۶۰)

"سرمایه - سود (سود کارخانه جمع مفاد)، زمین - بهره مالکانه زمین، کار - دستمزد، اینست فارمول سه گانه ای که حاوی تمام اسرار فرایند اجتماعی تولید می باشد". (صفحه ۱۴۲۸)

"ما دیدیم که مفاد به عنوان تولید مشخص سرمایه نمایان گشت، و مفاد کارخانه، بر عکس، به مثابه دستمزد مستقل از سرمایه؛ در نتیجه این فارمول سه گانه دقیقاً به اینها منتهی می شود: سرمایه - مفاد، زمین - بهره مالکانه زمین، کار - دستمزد، جایی که مفاد به عنوان شکل خاص اضافه ارزشی که شیوه تولید سرمایه داری را مشخص می سازد، معمولاً محو ساخته می شود."

نقل قول، صفحه ۱۴۲۸، در رابطه با تعریف سرمایه

تذکری رفیقانه به خوانندگان "عقاب": مسایل اقتصادی کمی بغرنج هستند و این بخش پیچیدگی خاص خود را دارد. برای استفاده بهتر از آن، دوستان و رفقای که مطالعات اقتصادی دارند، با در نظر داشت امکانات و مساعدت شرایط محیطی، مسئولیت توضیح این سلسله آموزشی را به علاقه مندان دیگر به عهده بگیرند.

**هر جنبش اجتماعی که با تئوری انقلابی رهبری نشود، به رهروی میماند
که در مسیر نا آشنا و پر از چاله و چاه، در تاریکی راه بپیماید.**

گلوآزه های شعر و ادب انقلابی

پیغام

نفرین بر این خموشی گویا!
لعنت بر این سکوت
دلگیرم از حضور سیه چهره های دون
بیزارم از نوای کلاغان لاشخوار
کز دور دستها:
از ناکجای گند بدینجا پریده اند
گویا که نعلش بی رمقی را شنیده اند
با کرگسان بومی این دشت همنوا
اکنون میان دهکده مردار میخورند
اطراف زخم کهنه ما با صد اشتها
بی ساز، رقص هندی و اعراب میکنند
غمگینم از سکوت عقابان کوهسار
اما!
تنها ترین عقاب
از زخم های خویش فراموش کرده است
بر روی شاخ یخ زده ای روی پای خویش
در انتظار اوج مجدد نشسته است
پیغام میدهد به تمام عقابها!
هرگز مباد آنکه فراموش تان شود
پرواز همنوا
پرواز با صفا
پرواز آشنا

گزارش

هیئت اعزامی سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان (ام ال او ا)

از کنفرانس قاره آسیائی ایکور در کتمندو

به روزهای ۲۷ و ۲۸ جولای ۲۰۱۳

قبل از ارائه گزارش لازم است برای رفع ابهامی که از بیخبری و نبود معلومات عده نی در مورد ایکور "ICOR" به وجود آمده تذکر بدیم که ایکور یک نهاد هم آهنگ کننده جهانی جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی است که هرگز نباید آنرا یک سازمان ایدئولوژیک پنداشته و نا بخردانه آنرا متهم به "رویزیونیسم" کرد. به تعبیر ما افغانها میتوان ایکور را یک نهاد "جبهه نی" جنبشهای انقلابی در سطح جهان خواند. در ایکور میتوان با پذیرش پلاتفرم خاصش و تکمیل شرایط مطروحه، هر حزب و یا سازمان و یا اتحادیه انقلابی ضد امپریالیستی (مارکسیست - لنینیست... باشد یا نباشد) عضو شود. هم اکنون از سازمانها و احزاب کمونست با پسوند های مختلف تا اتحادیه های کارگران و زنان و... از قاره های مختلف جهان در ایکور عضویت دارند.

سازمان مارکسیست- لنینیست افغانستان از بنیاد گذاران ایکور است و به وساطت هیچ حزب و سازمانی به این مقام نرسیده است. افواهات مذخرفی که گویا ایکور به اعتبار حزب کمونست فلیپین ساخته شده و سازمان ما به وساطت حزب کمونست فلیپین داخل ایکور شده است، اگر توطئه گرانه نباشد از نادانی افواه کنندگان ناشی میشود. چون حزب کمونست فلیپین هیچ نقشی در ایجاد ایکور نداشته و هیچگاه عضو ایکور نبوده و هنوز هم نیست. پس چگونه توانسته اعتبارش را به ایکور بدهد و یا ما را به ایکور بپذیرد؟ بدین اساس سازمان ما هیچ جلسه مشترکی با حزب کمونست فلیپین، که عضویت ایکور را ندارد، زیر نام ایکور نداشته است. منابع جاهل و جاعل پخش چنین افواهاتی تحقیق نکرده چنین احکام بی بنیاد و غلطی را صادر نموده و با آن سند افلاس کامل شانرا امضاء کرده اند.

جریان گزارش: سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان (M L O A) به دعوتنامه ای که از طرف کمیته آسیائی ایکور عرض اشتراک در دومین کنفرانس قاره نی آسیا برایش فرستاده شده بود، پاسخ مثبت داد. "م ل او آ" برای کنفرانس مذکور که به روزهای ۲۷ و ۲۸ ماه جولای ۲۰۱۳ م در کتمندو پایتخت کشور نیپال برگزار می شد، هیئتی را مؤظف به سهم گیری نمود که به آن کشور سفر کردند.

در بیرون عمارت میدان هوایی کتمندو، دوتن از اعضای حزب کمونست نیپال (مشعل) انتظار رفقای ما را می کشیدند. به مجرد اطمینان از شناسائی هیئت ما که اولین مهمانان خارجی فهرست دست داشته شان بود، و معرفی با همدیگر، رفقای نیپال از رفقا با چنان گرمی، صفا، صمیمیت، متانت و سیمای بشاش استقبال نمودند که خود گواه اخلاق پرولتری و رویه بی آرایش و رفیقانه کمونستی بود.

رفقای حزب کمونست نیپال (مشعل)، رفقای ما را با مهمان نوازی رفیقانه به طرف تکسی که منتظرشان بود، بدرقه نموده و راننده تکسی را به ایشان معرفی نمودند. راننده هم یکی از اعضای حزب میزبان و موتر تکسی ملکیت حزب بود؛ که باعث خوشنودی و اطمینان بوده و یکی از دهها نشانه سازماندهی خوب و موفق حزب کمونست نیپال (مشعل) برای برگزاری کنفرانس است.

به علاوه رفقای ما فهرست مهمانان خارجی شامل هیئت بنگله دیشی، هیئت آلمانی و هیئت هندی می شد. به این ترتیب، نمایندگان حزب کمونست نیپال (مشعل) که مؤظف به پذیرائی مهمانان در میدان هوایی بودند، همه آن روز را در رفت و آمد میان هتل و میدان هوایی سپری نمودند.

رفقای ما با هیئت بنگله دیشی که در رأس آنها حیدرخان رانو عضو رهبری حزب کمونست بنگله دیش بود، معرفی شده و به صحبت و تبادل نظر پرداختند. در جریان بعد از ظهر، هیئت آلمانی نیز به هتل رسید.

رفقای هیئت نمایندگی سازمان ما با رفیق ستیفن انگل رهبر حزب مارکسیست-لنینیست آلمان و مسئول عمومی آیکور و هیئت همراه وی، همچنان با رفیق سنجی سنگوی و رفیق رامچندران از حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) معرفی شده و در جمع شان که رفیق رانو هم به آنها پیوست، به صحبت نشستند. پیرامون مسایل مختلف جهانی تبادل نظر کردند.

روزشنبه ۲۷ جولای ۲۰۱۳:

اولین جلسه مطابق به آژندائی که قبلاً به دسترس احزاب و سازمان های شرکت کننده گذاشته شده بود، آغاز گردید. اولتراز همه، رفیق ستیفن انگل از اعضای حاضر جلسه خواست تا تیلفون های دستی خود را نه تنها خاموش نموده بلکه آنها را از آن اتاق به جای دیگری ببرند، تا هیچگونه تشویشی از نگاه امنیتی برای مباحث نباشد. به اینصورت کنفرانس قاره آسیائی آیکور به ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح آن روز مطابق برنامه آغاز گردید.

در مجموع، انسجام امور از طرف رفقای حزب کمونیست نیپال (مشعل) به وجه اعلا بوده و از نظم و دقت خاصی برخوردار بود. مسئول یا مسئولین هر بخشی از کارها خیلی دقیق و وظیفه شناسانه به همان مسئولیت خود رسیدگی می نمودند؛ که جو و محوارین همه کیفیت را فقط در رعایت دقیق اصول انقلابی مارکسیستی - لنینیستی می توان شناسائی کرد و از آن آموخت.

در طی جلسه این روز، انتقادات جدی و اصولی بر نحوه گزارش مسئول امور مالی کمیته قاره ئی آسیا از طرف رفیق انگل و سخنگوی هیئت نمایندگی ما که مسئولیت نظارت امور کمیته مالی قاره آسیای آیکور را عهده دار بود، بعمل آمد که مورد تأیید اکثریت اعضاء قرار گرفت. رفیق انگل و رفیق ما لیست و اسناد محاسبه دقیق مصارف کمیته و ارقام مشخص را خواهان شدند، که هیچکس در آن باره مخالفت نشان نداد. مسئول کمیته مالی قاره ئی آسیا خیلی صمیمانه و رفیقانه وعده داد که برای جلسه روز بعد صورتحساب دقیق دخل و خرج را ارائه خواهد کرد. لازم به تذکر است که تمام مصارف بود و باش و خوراک اعضای مهمان کنفرانس را حزب میزبان (حزب کمونیست نیپال - مشعل) بدوش گرفته بود.

تاختم جلسه که حوالی ۵ عصر بود، مباحثات تا ماده چهارم آژندا جلو رفت. به ابتکار رفقای افغان، رفیق سنجی ترجمه انگلیسی یک سند مهم ایدنو لوژیک-سیاسی سازمانی ما را که قبل از سفر به نیپال تهیه شده و به کمیته مسئول کنفرانس فرستاده شده بود، به شاملین کنفرانس توزیع نمود تا شب آنرا مورد مطالعه قرار بدهند.

هیئت نمایندگی سازمان ما نقش فعال و مثبتی در باز نمودن مباحث و اتکاء بر بعد اصولی و انتقادی جلسه داشتند.

روزیکشنبه ۲۸ جولای ۲۰۱۳:

کنفرانس به اساس موافقت قبلی همه نمایندگان به ساعت ۹ صبح آغاز گردید. بیشترین بخش جلسه این روز را بحث برتدارک کنفرانس دوم آسیائی کشاورزان دربرگرفت، که متأسفانه نظریه شرایط درهم و برهم کشورما و زراعت ضربت خورده و دهقانان نگون بخت در افغانستان، نمایندگان ام.ال.او. آ حرف زیادی برای نقش و اشتراک دهقانان افغان در این مورد نداشتند. البته در این روز مواد ۸ تا ۱۰ آژندای کنفرانس هم به بحث و اجراء گرفته شد.

بعد از ختم این موضوع، مطابق به پیشبینی در آژندا، به رفیق انگل صلاحیت داده شد تا جریان انتخاب اعضای جدید کمیته انسجام قاره ئی را نظارت و رهنمائی نماید. همه اعضای کمیته انسجام قاره ئی، به استثنای حیدرخان رانو (حزب کمونیست بنگله دیش) که به عوض خود رفیق دیگری از حزب خود را پیشنهاد کرد، دوباره با اتفاق آراء انتخاب شدند. به همین ترتیب، رفیق سنجی سنگوی هم به عنوان منتظم قاره ئی آسیا دوباره مورد تأیید قرار گرفته و انتخاب شد. مسئول مالی بخش آسیائی هم دوباره رأی اعتماد بدست آورده و در پستش باقی ماند. رفیق ما که در دوره قبل مسئول نظارت امور مالی بود، به دلایل مشکلات عدم حضور همیشگی در جلسات از سمتش کناره گیری کرد، و به پیشنهاد او، رفیقی از حزب کمونیست نیپال (متحد) به آن مسئولیت انتخاب شد. اشتراک کنندگان با امتنان از رفقای برگزارکننده

کنفرانس، با وعده برگزاری کنفرانس بعدی آیکور، محفل را با کمال صمیمیت و همبستگی رفیقانه ترک نمودند.

قابل تذکر است که هیئت های اندونیزیا، ایران، پاکستان و سریلانکا که قرار بود در این نشست اشتراک کنند، بنابر مشکلات تخنیکی به جلسه نرسیدند.

رویداد مهم دیگر این روز پیشنهاد رفقای نیپال مبنی بر اشتراک هیئت ما در "کنوانسیون ملی بحران محیط زیست در نیپال" (۲۹ - ۳۰ جولای ۲۰۱۳) بود که برای رفقای افغان، با وجود اهمیت موضوع و علاقمندی به آن، غیرمترقبه و تا اندازه ای غافلگیرانه بود، زیرا رفقای حزب کمونست نیپال (مشعل) که برگزارکننده آن بودند، اصرار داشتند تا نمایندگان ام.ال.او.آ در آن حضوراً اشتراک ورزند. در اول، رفقای ما به درخواست آنها جواب رد دادند و دلایل امنیتی و افشاء شدن بی لزوم هویت را که کارهای بعدی مبارزاتی را می توانست ضربت بزند، به آنها ارائه کردند. پیشنهاد رفقای ما این بود که پیام تبریکیه و همبستگی هرچه زودتر به زبان انگلیسی ترتیب شده و از طرف ام.ال.او.آ به کنوانسیون فرستاده شود تا مسئولین اداره سخنرانی ها، آن را به حاضرین قرائت نمایند. بعداً قرار بر این شد که هیئت سازمان ما به طور کاملاً گمنام در محفل اشتراک کند؛ و به رفقای نیپالی برگزارکننده تأکید شد که به عکاسان و فلمبرداران اجازه ندهند که از هیئت ام.ال.او.آ تصویر یا فلم بردارند، چون فردای آن همه در مطبوعات نیپال و انترنیت انعکاس می یافت. آنها با تمام این شرایط پیشنهادی لیبیک گفتند، و به مجرد ختم جلسه آن روز، رفقای سازمان ما به آماده نمودن پیام آغاز نمودند. با وجودی که رفقای ما طرح موضوع محیط زیست را آنقدرها جالب تشخیص نکردند، اما از آنجا که عنوان بحث سیمیناری آن "بحران محیط زیست و نقش امپریالیسم در ایجاد آن" بود رفقای ما به زودی مسوده خلی دلچسپ که تخریب محیط زیست در افغانستان در اثر تجاوز نظامی و سیاست استعماری دیروز و امروز اشغالگران روسی - امریکائی - متحدین را در برمی گرفت، رقم زده و بدون فوت وقت به ترجمه و تایپ کمپیوتری آن آغاز نمودند. تا شام آن روز، پیام به کنوانسیون آماده شده و در "کلید یو.اس.بی." ثبت شده در اختیار مسئولین قرار داده شد تا آن را چاپ کاغذی نموده و در جلسه کانوانسیون قرائت نمایند.

ناگفته نماند که در جریان دو روز کنفرانس، در خارج از اوقات رسمی، بحث ها و تبادل نظر گرم و رفیقانه روی مسایل مختلف منطقه ای و جهانی میان نمایندگان سازمان ها و احزاب، از جمله در موقع صرف طعام، صورت می گرفت.

روز دوشنبه ۲۹ جولای

رفقای آلمانی صبح همین روز، بعد از صرف چای صبح، با همه وداع نموده روانه میدان هوایی شدند. باقی اشتراک کنندگان قبل از ترک هتل، باز هم برای صرف نان چاشت به دعوت میزبانان خود، به اتاق طعام گردهم آمدند، و رفقای بنگله دیشی هم در همانجا با دیگران خداحافظی نمودند.

بعد از صرف طعام، آن عده از اشتراک کنندگان کنفرانس آیکور که هنوز یکی دو روز از اقامت شان باقی مانده بود (هیئت هندی و افغان)، به هتل دیگری در کتمندو رهنمائی شدند. باز هم به اساس صمیمیت بی شانیه و رفاقت بی نظیر میزبانان، رفقای ما همراه با رهبر حزب کمونست نیپال (مشعل)، خانواده وی و دوسه تن دیگر از رفقاء، در موتر حزب که راننده آن هم عضو همان حزب بود، از هتل اولی به هتل دیگری در چند کیلومتری آن انتقال داده شدند. این هتل در چند متری محل برگزاری "کنوانسیون ملی بحران محیط زیست در نیپال" موقعیت داشت. هیئت افغان که قبلاً پیام همبستگی را به یکی از مسئولین برگزاری کنوانسیون تحویل داده بود، به این تصمیم رسید که فقط در جلسه اول (همان روز دوشنبه ۲۹ جولای) به عنوان سامع اشتراک نموده و بعد از آن با امتنان از میزبانان محل را ترک کند.

به این ترتیب، در ساعت معینه، یکی دوتن از رفقای حزب کمونست نیپال (مشعل) با رفقای ما همراه شده، با کمال صمیمیت و مهمان نوازی، آن ها را به محل برگزاری کنوانسیون که یکی از اضلاع تعمیر یک مکتب بود، رهنمائی نمودند. جلسه کنوانسیون قبلاً افتتاح شده بود، و سخنرانی ها ادامه داشت. در کنار در ورودی، چند کوچ (دراز چوکی) گذاشته شده بود، که برای سخنرانان اختصاص داده شده و رُخ شان بطرف حاضرین بود. در برابر آنها برای مهمانان چوکی های منفرد گذاشته شده بود که صفوف اول و دوم مخصوص

مطبوعات و مهمانان ویژه بود. برای هیئت سازمان ما هم در صاف اول جای تعیین شده بود. لحظه ای بعد از رسیدن آنها، دوتن از رفقای مسئول لوژستیک، با ابرازخوش آمدید، گل های سینه را که برای تشخیص مهمانان ویژه بود و در آن موضوع کنوانسیون، برگزارکننده آن و محل و تاریخ آن ذکر شده بود، به هیئت افغان دادند.

آنچه بیش از همه جالب توجه بود، و فقط در جوسیاسی کشوری مثل نیپال می توان سراغ کرد، اینست که علاوه بر اشتراک نمایندگان احزاب و سازمان های دیگر، حتی مشاور رئیس جمهور نیپال هم در آنجا حضور داشت، که بعد از یک بیانیه مختصر آنجا را ترک کرد. رفقای دایر کننده "کنوانسیون ملی بحران محیط زیست" بحث محیط زیست در این جلسه را یک بحث ملی میدانستند و لذا مهمانان داخلی شانرا به وسعت ملی و از طیف های گوناگون دعوت کرده بودند.

از آنجائی که تقریباً همه بیانات به زبان نیپالی، و در بهترین حالت به زبان اردو بود، طبعاً رفقای افغان از آن استفاده کرده نمیتوانستند. باری رفیق مسئول هیئت ما با رفیق مسئولی که پهلویش نشسته بود موضوع را در میان گذاشت، و وی بلافاصله برای روشن ساختن این سوال به سراغ برگزارکنندگان محفل رفت. جوابی که دریافت شد، این بود که چون پیام هیئت افغانی محتوی غنی داشته و رفقای نیپال به آن دلچسپی خاصی گرفته اند، ما آن را در بخش سیمینار برنامه ریزی نموده ایم. آنها رفقای ما را در تصمیم ترک جلسه آزاد گذاشتند.

در جریان تفریح، رفقای ما با جمعی از جوانان و نوجوانانی که در آنجا گردآمده بودند سر صحبت را باز نموده و راجع به برداشت شان نسبت به انقلاب در نیپال سوال نمودند و شناخت مختصری از ام.ال.او.آ و از افغانستان به آنها داده شد. گرچه شرایط و اوضاع سیاسی در نیپال خیلی بغرنج و تمایلات آن متنوع است، با آنهم نکته ای که برای آن جوانان ظاهراً دلچسپ واقع شد، یاد از سوسیال - امپریالیسم و جنایات آن در افغانستان بود. آن جوانان همه متعلم مکتب بودند. با دعوت به برگشتن به تالار کنفرانس، گفت و گوها هم متأسفانه پایان یافت.

شب آن، رفقای هندی - رهبر حزب کمونست هند و سنجی سنگوی عضو پولیت بورو و مسئول کمیته قاره نی آسیائی ایکور - به اتاق هیئت افغانی برای دیدار حسن نیت و تبادل نظر آمدند. از رفیق سنجی راجع به جریان کنوانسیون بعد از رفتن هیئت افغانی از آنجا سوال شد، گفت که خودش پیام ما را خوانده که مورد استقبال قرار گرفت.

سخنان دوطرف روی انقلاب نیپال کشیده شد. به زودی در این مورد بین سخنگوی هیئت ما و رهبر حزب کمونیست هند (مارکسیست - لنینیست) اختلاف نظر بروز نمود.

رهبر حزب کمونیست هند با صحبت تفصیلی از پیروزی انقلاب نیپال یاد میکرد و وضع موجود را تقریباً دستاورد نهائی انقلاب میدانست که با مهارت از تجاوز اجانب هم جلو گرفته است.

رفیق ما با تحلیل فاکت ها و با استناد به حرفهای خود رفیق هندی ادعا داشت که انقلاب نیپال در نیمه راه سقط شده، زیرا نتوانسته است تحولات بنیادی و ریشه نی را در جامعه نیپال بوجود آورد، و فقط به یک دموکراسی صوری ونیم بند اکتفاء نموده و مردم را به آن دلخوش ساخته است. رفیق هندی این نظر را نمی پذیرفت و اکیداً اظهار می داشت که انقلاب نیپال به پیروزی رسیده و این که چگونه و چرا اوضاع به شکل فعلی تکامل نموده و نه به آن شکلی که "در کتاب های انقلاب آمده"، بسته به شرایط جامعه نیپال است؛ و استدلال می کرد که اگر مانوئیست ها در قدرت دولتی سهم نمی شدند و به زور تفنگ به جنگ و سیاست خود ادامه می دادند، خطر آن می رفت که نیپال مورد تهاجم نظامی از خارج قرار بگیرد، پس برای دفع خطر تجاوز هند به تحریک امریکا (ویاهم حمله مستقیم امپریالیسم امریکا)، مانوئیست ها به چنین اقدام درستی متوسل شدند. ضمناً رفیق هندی با استنتاج از وقایع نیپال صریحاً جنگ خلق به عنوان ستراتیژی انقلاب را غیر منطبق با شرایط امروز دانسته و آن را اسلوب گذشته ها و نامود می کرد.

استدلال سخنگوی سازمان ما این بود که "همین شرایطی که شما از آن نام برده اید مثل احتمال مداخله هند و امریکا و عوامل نامساعد دیگر در درون انقلاب همه و همه دست در دست هم داده و انقلاب را به شکست مواجه ساختند. پیروزی انقلاب این نیست که فقط حزب انقلابی در قدرت سهم شود. انقلاب وقتی به پیروزی میرسد که زیربنای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه را دگرگون بسازد. در نیپال هیچ چیزی از

این انقلاب برای خلق نرسیده است. هیچ تحول بنیادی در نیپال به وقوع نپیوسته است؛ فقط تغییراتی در سطح سیاسی، آنهم نه کامل، به قوع پیوسته است که نمیتوان آنرا پیروزی انقلاب نامید. دهقانان و کارگران و درکل خلق نیپال تا هنوز نه تنها چیزی از انقلاب نصیب شان نشده که همچنان در آتش فقر و استثمار طبقات حاکم میسوزند. طبقات حاکم هنوز درحاکمیت هستند و فقط سهم اندک صرفاً سیاسی به انقلابیون قایل شده اند. بلی هم اکنون فضای سیاسی نیپال بازتر از هر زمان گذشته و بازتر از هر کشور آسیایی است و احزاب کمونست میتوانند در اینجا کنفرانس و جلسه دایر کنند. تمام اینها در حد ریفرم های سیاسی میتواند مطرح باشد و نه تحول بنیادی که آنرا پیروزی انقلاب بتوان گفت.

این نکات بحث را خیلی جدی ساخت و رفیق هندی به جای تداوم استدلال گفت "اگر شما رفقای افغان میباید حتماً طور دیگری دستور میدادید" (منظورش تداوم جنگ بود). سخنگوی سازمان ما (م. ل او آ) این برخورد را از رهبر حزب کمونیست بزرگ هند دور از انتظار دانسته و متذکر شد "ما هیچ دستوری نداده ایم ونمی دهیم و هرگز هم خود را به جای انقلابیون در کشور دیگری جا نمی زنیم. شرایط مبارزاتی هرکشوری به مبارزان خودش مربوط است. درعین حال ما حکم خوب و بد در کار انقلابیون و مبارزان نیپال نکرده ایم، نگفتیم که باید چنین میکردند ویا نباید چنان میکردند. ما از تحلیل وقایع و به استناد فاکت های مانع پیشرفت انقلاب، که عمدتاً خودتان در بحث ارائه کردید و بر مبنای شناخت از معنی تنوری و عملکرد انقلاب، به نتایج رسیدیم که آنرا می خواهیم با بحث با شما و رفقای نیپال عمیق و مستند بسازیم. هنوز ما هیچ حکمی را صادر نکرده ایم و شما در نشرات سازمان ما می بینید که بدون تحقیق حکم چه که حتی بحثی هم در این مورد نکرده ایم. نمیدانیم چرا شما به ما چنین نسبتی دادید.

در مورد جنگ خلق هم نمیتوان و نباید شکست یک مورد را که در شرایط خاص ملی، منطقه نی و بین المللی صورت گرفته، به همه جا تعمیم داد و به چنین نتیجه رسید که جنگ خلق در همه جا کهنه شده و کار برد ندارد. ممکن است درکشوری نتوان راه معینی را پیش برد ولی درکشور دیگر با شرایط ویژه اش همان راه بهترین راه رسیدن به هدف باشد. انقلابیون هرکشور موظف اند متناسب با شرایط ویژه جامعه شان و موثرات پیرامونی، راه درست انقلاب را تشخیص و استراتژی و تاکتیک انقلاب شانرا برگزینند. برای هیچ انقلابی مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه تونگ نسخه از پیش تهیه شده و تغییرناپذیر نمیدهد. تحلیل مشخص از اوضاع مشخص با هرگونه دگماتیسمی نا سازگار است."

این بحث با سر رسیدن وقت نا تمام ماند، و اما درموقع صرف طعام به شکل خیلی ماهرانه از طرف رفیق ما به موضع گیریهای دوطرف اشاره و از برخورد طنزآمیز و بیجای رفیق هندی ظریفانه انتقاد شد. رهبر حزب کمونست نیپال (مشعل) هم که در آن میز حاضر بود، بدون آنکه از تصادمات فکری آن دو مطلع بوده باشد، به دفاع از موضع رفیق ما تذکراتی داد. او نیز معتقد بود که انقلاب نیپال شکست خورده و عامل داخلی آنرا اشتباهات عمیق "حزب کمونیست مائونیست نیپال" و بالآخر جدائی خلق از انقلاب میدانست. او میگفت با تداوم اشتباهات مائونیستها، خلق نیپال در برابر انقلاب قرار میگرفت. او تکروری و عملکرد نادرست مائونیستها را عامل داخلی شکست انقلاب میدانست.

جدیت این مسئله و شاید هم انتقاد قاطع رفیق سنجی عضو رهبری حزب کمونیست هند از رهبر آن حزب در نحوه برخوردش با رفقای ما، در غیاب (چیزی که رفیق سخنگوی ما حدس می زد، زیرا درموقع جر و بحث دو رفیق، سنجی با ناراحتی به رهبرش نگاه می کرد و تمایل تانیدیه به نظر رفیق ما نشان میداد)، موجب شد که فردا صبح موقع خداحافظی، رفیق رامچندران و رفیق سنجی به اطاق ما بیایند و از برخورد نادرست شب گذشته شان از رفقای ما معذرت بخواهند. اینست برخورد اصولی به قضایا که مبتنی بر اصول اساسی مارکسیسم- لنینیسم است. اینجا دیگر حزب بزرگ و سازمان کوچک مطرح نیست، اصلیت مطرح است و حزبی بزرگ به اصلیت سازمانی کوچک گردن می نهد و از برخورد غیر اصولی اش بی هراس انتقاد میکند و معذرت می خواهد و ما همیشه باید از آن بیاموزیم .

دیدار فرهنگی:

رفقای ما در مسایل فرهنگی نیز صحبت ها و تبادل نظر هائی با رفقای نیپال داشتند. در این گفت و شنود ها از نقش موسیقی و هنر در انقلاب صحبت هائی شده بود. منیجر هوتل که یکی از اعضای مشعل بود بدون آنکه به ما خبر دهد ما را با خواننده و موسیقی دان نامدار انقلابی آشنا و روبرو ساخت. قرار روایات رفقای مشعل آهنگ های این هنرمند بزرگ مردمی زندان دیده و انقلاب دیده اثرات بزرگی بر روحیه مردم نیپال گذاشته و او را به یک قهرمان انقلابی خلق بدل کرده است.

تواضع غیر قابل باور این رفیق هنرمند باعث آن شد که در اول دیدار هیچ حدسی در مورد وی در ذهن رفقای ما خطور نکند. ساعتی بعد دریافتیم که این هنرمند متواضع و واقعاً توده ئی که با ما هم صحبت است، همان جیون شرما، مشهورترین و محبوبترین آهنگ ساز و آوازخوان انقلاب نیپال است، که سروده های وی را رفقای نیپالی درسنگرداغ رویاروئی با رژیم ارتجاعی نیپال و عمال آن، با شور و هیجان به آواز بلند زمزمه کرده و از آن الهام می گرفتند. قابل یادآوری است که همه آهنگ ها و کلیپ های ویدیوئی وی انعکاس دهنده رنج و آلام مردم بوده و قهرمانان کلیپ های ویدیوئی او حاملان آبله پا و دیگر رنجبران اند. هرگاهی که مردم این هنرمند توده ئی را در کوچه و بازار تصادفی می بینند، از فرط هیجان و تحسین مات و مبهوت مانده و ناخودآگاه به زمزمه نمودن یکی از سرودهایش آغاز می نمایند.

رفقا همه به هوتل رفتند و در سالون پذیرائی آنجا رفیق شرما آهنگی را به سرودن آغاز کرد که آنآ کسانی را که در دور و بر بودند مانند مقاطیس به آنجا کشاند و حیرت می کردند ازینکه چنین بی خبر چسان توانسته اند با آنچنان نعمتی که خود جیون شرما شخصاً چیزی در آنجا بسراید، نائل آیند؛ و با وی عکس های یادگاری گرفتند.

به هر حال، آنچه مایه خوشنودی است اینکه در اثریکنوع تصادف، زمینه آن مساعد شد تا با یکی از چهره های درخشان حیات فرهنگی واقعاً انقلابی جامعه ای مثل جامعه نیپال که مشخصات و رویدادهای تاریخی خاص خود - به خصوص تکامل اوضاع سیاسی و اجتماعی دهه اخیر - را در خود دارد، آشنا شویم. این به دلیلی حائز اهمیت است که جوانب فرهنگی و هنری افغانستان با نیپال (بسان هند و پاکستان) خیلی نزدیک است و در آینده با رشد مبارزات انقلابی در افغانستان، می تواند به عنوان یک پیشینه مفید واقع گردد.

مختصری از مسوده گزارش کمیته انسجام قاره ئی آسیا

کمیته قاره ئی آیکور برای آسیا مسرت دارد که گزارش ذیل را برای غور به کنفرانس قاره ئی ارائه می نماید:

اولین کنفرانس قاره ئی آسیا، بعد از کنفرانس جهانی آیکور در ۲۰۱۰، در مارچ ۲۰۱۱ در دهلی جدید منعقد گردید. کنفرانس قاره ئی بعدی در نوامبر ۲۰۱۱ در بویاتیشوار دائرگردید. در آن کنفرانس، کمیته انسجام قاره ئی آسیا انتخاب شد. ضمناً منتظم اول برای کمیته انسجام قاره ئی آسیا نیز انتخاب گردید. بعبارة دیگر، می توانیم بگوئیم که کار واقعی کنفرانس آسیائی فقط بعد از همین کنفرانس آغاز گردید؛ باوجودی که ترتیبات برای آن از مدتها قبل گرفته شده بود.

در ماه اپریل ۲۰۱۲، کنفرانس آسیائی کشاورزان در دهلی جدید منعقد شد. در این کنفرانس احزاب شش کشور آسیائی بشمول سریلانکا و فلپین، و همچنان یک نماینده از اتحادیه مالداران مولدشیر از آلمان اشتراک

ورزیدند. به همین ترتیب، هیئت هائی از احزاب هند و نیپال که عضو آیکورنیستند، بسان نمایندگان سازمان های کشاورزی ی.سی.پی.ان.(مانویست) نیپال و آر.سی.پی. هند در آن کنفرانس حضور بهم رساندند. تمام اسناد بشمول مباحث، قبلاً بشکل کتاب بچاپ رسیده است.

متعاقباً، در ماه جون امسال، کمیته انسجام آسیائی "کنفرانس آسیائی برای دموکراسی و علیه امپریالیسم" را دایر نمود. در این کنفرانس احزاب سه کشور سهم گرفتند، گرچه اشتراک وسیعی از طرف بعضی کشورهای دیگر، به خصوص نیپال هم صورت گرفت؛ که نمایندگان همه احزاب عمده آن را در برمی گرفت. سی.پی.بی. هم یک هیئت ده نفری فرستاد، در حالیکه فقط دفتر آنها توسط بنیادگرایان اسلامی، در پاسخ به راه انداختن جنبش "شاه باغ" برای لانیستی(جهانبینی غیردینی و مذهبی - توضیح گزارشگر) کردن، توسط اینها، تاراج و تخریب شده بود. اسناد ارائه شده در این کنفرانس و نتایج مباحثات هم، بشکل کتاب درآینده نزدیک بیرون داده خواهد شد.

بعداز کنفرانس دوم آسیائی در یوبانیسوار، کمیته قاره ئی آسیا تا حال دوبار در ۲۰۱۲ و یکبار در ۲۰۱۳ دیدار نموده است. علاوه بر آن، چندین ملاقات از طریق سکایپ صورت گرفت که در آن جزئیات برگزاری کنفرانس به بحث گرفته شد. کمیته قاره ئی آسیا قطعنامه های زیادی را، منجمله در جریان کنفرانس، به تصویب رسانده است. علاوه بر آن، قطعنامه هائی از قبیل محکوم نمودن دستگیری سوسیالیست ها در مالیزیا نیز به تصویب رسید.

کمیته قاره ئی آسیا قادر بود که مساعی احزاب آسیائی را در فعالیت های آیکور، از قبیل کمپاین مشترک علیه نیروی هستوی و سلاح هستوی، با آی.ال.پی.اس. هماهنگ سازد. احزاب آسیائی با سی.پی.آی.(ام.ال.) در جمع آوری ۳۵۰۰۰ امضاء فعالانه اشتراک ورزیدند؛ و سیمینارها و گردهمائی هائی روی این موضوع در نیپال و هم در کشورهای دیگری، از طریق ابتکارات سی.پی.(مشعل) برگزار نمودند. نمایندگان آسیائی همچنان در کنوانسیون اروپائی که در اکتوبر ۲۰۱۲ توسط کنفرانس قاره ئی اروپا تدارک شده بود، اشتراک ورزیدند. ناگفته نماند که آیکور در کشورهای هائی که در آنجا فعال هستیم، وسیعاً تبلیغ شده است. اساسنامه آیکور به بیش از ده زبان آسیائی ترجمه شده است. از جمله، اساسنامه به زبانهای هندی، بنگالی، نیپالی و مالایالم ترجمه شده است.

کار آیکور در آسیا توسعه یافته است ولی هنوز در حاشیه می باشد. هیچکدام از احزاب مؤسس عضویت خود را ترک ننموده اند. از طرف دیگر، یک حزب نو، از نیپال به عضویت آیکور قبول شده است. فعلاً ۹ حزب در آیکور آسیا عضویت دارند. با آنها، بعضی اعضاء در برنامه های مختلف آیکور همیشه حاضر نمی شوند؛ که دلایل آن بایست مورد بحث قرار گیرد. مساعی بخرچ داده شده است تا تماس با احزابی در سریلانکا و همچنان در کشورهای آسیای غربی برقرار گردد. امید می رود که این مساعی به زودی ثمر دهند. هیئتی از سریلانکا در کنفرانس آسیائی کشاورزان هم اشتراک ورزیده بود. با آنها، کار زیادی در این راستا باید صورت بگیرد.

گزارش مالی آیکور جداگانه پیش خواهد شد. بهر صورت هیچ مصرفی از صندوق مرکزی آی.سی.سی.پی. صورت نگرفته است. مصارف کنفرانس آسیائی کشاورزان و "کنفرانس آسیائی برای دموکراسی و علیه امپریالیسم"، بر احزاب اشتراک کننده تقسیم شد. گزارش آن حسابات جداگانه تقدیم خواهد شد.
رفقا!

می توانیم بگوئیم که آیکور در آسیا راه افتاده است. در شرایطی که "سی.سی.او.ام.پی.او.اس.آ." تقریباً متلاشی شده است و آی.ال.پی.اس. در آسیا به دوجناح منقسم شده، آیکور مسئولیت عظیمی را بردوش دارد. ما باید کار آیکور را به پیش ببریم. این امر توسعه کار آیکور، و تبدیل آیکور به یک مؤسسه قوی تر و فعال تر را ایجاب می نماید. اینها اهدافی اند که ما می توانیم تا کنفرانس بعدی برای خود تعیین نمائیم.

زنده و جاوید باد پیوند خلقهای ستمکش جهان!

پیام های ارسالی و دریافتی

پیام سازمان مارکسیست- لنینیست افغانستان به کنوانسیون بحران محیط زیست در کتمندو - نیپال

دوستان و رفقای عزیز!
خوشحالیم ازینکه فرصتی میسر شد تا از طریق این پیام شما را به طور مختصر در جریان فاجعه بزرگ محیط زیستی درکشورجنگ زده و ویران شده ما افغانستان قرار بدهیم.

دوستان عزیز!

ازسی وچهارسال به اینسو، مدعیان "تمدن"، این مخربان و ویرانگران محیط زیست، افغانستان را به آتشکده مبدل ساخته اند که درآن نه تنها انسان ها، بلکه درمجموع همه زنده جان ها، گیاهان ونباتات بدون تفکیک می سوزند و نابود می شوند.

ابتدا سوسیال امپریالیسم شوروی با تجاوز مسلحانه و گسیل بیش ازیکصد هزارسرباز، با استفاده ازمرگبارترین سلاح زهری و همزمان با پایمال کردن سرزمین ما درزیرچرخ تانک ها و زره پوش های خود، بیش از یک ملیون انسانرا قتل عام نمود. آنها هزاران مزرعه، باغ، جنگل، کاریز وسایر منابع آبی ما را با پرتاب بم های وحشتناک، درجریان بمباردمان های شدید و بدون تفکیک، بکلی تخریب نموده و محیط زیست ما را به ویرانه بدل ساختند.

با پخش هزاران ماین درتاکستانها و اراضی زراعتی، آنها ساحات دیدنی وتفرجگاه های کشورما را، همراه با شهرها ودهات آن، ازباشنده خالی ساختند؛ وباعث ایجاد زیان های جبران ناپذیردرمحیط زیست گردیدند. به تعقیب شکست وبیرون رفت ارتش سوسیال امپریالیسم شوروی از افغانستان، بنیادگرایان اسلامی زیر نام مجاهدین، درهمیاری مستقیم با رژیم های ارتجاعی پاکستان و ایران، دست به تاراج و چپاول وسیع زده، منجمله خسارات عمدی به محیط زیست وارد نمودند. به عین شیوه عملکرد قوای سوسیال امپریالیست، بنیادگرایان به تخریب بیرحمانه منابع طبیعی کشورما ادامه دادند. درجریان حکمروائی بنیادگرایان و رقبای غیرمذهبی شان که آشکا را با قدرت های منطقوی وامپریالیسم درپیوند بودند، آنها همیشه سرگرم جنگ های تخریبی میان خود، وقتل مردمان ملکی بیگناه با بکاربرد شیوه های قرون وسطائی شکنجه واعدام، بودند. هیچگونه نیت و اراده ای برای انکشاف زراعت، بهبود شرایط زندگی مردم، ونه هم رسیدگی به مسائل مربوط به محیط زیست وجود نداشت.

صدورغیرمجازمواشی به جانب پاکستان به اوج آن رسیده بود. بنیادگرایان اشجارمثمر را از ریشه می کشیدند، وبه صورت سیستماتیک و بیرحمانه همه درخت ها را درجنگلات غلوی مناطق جنوب وشرق افغانستان قطع می نمودند، تا چوب آن را به قیمت خیلی نازل درپاکستان به فروش رسانند. آنها همچنان جوی ها، کانال های آبی وکاریزها را تخریب نمودند تا زارعان به ازسرگیری فعالیت های کشاورزی اقدام نتوانند. درنتیجه، زمین های مزروع به دشت های آفتاب سوخته مبدل گردیدند.

ازطریق عناصراجیر، مقامات پاکستانی افواهایی را راه انداختند که به اساس آن آنها ریشه درختان پسته را به قیمت گزاف خواهند خرید. با چنین تبلیغات شریر، عناصربدنهاد حریص به جنگل های حاصلخیز ولایت بادغیس افغانستان هجوم برده و به ریشه کن ساختن درختان پسته آغازنمودند تا آن ریشه ها را برای فروش به پاکستان ببرند. به این ترتیب، یک جنگلزار بارور، که هوا را تصفیه می نمود ومنبع تولید زراعی مفید بود، به سرحد محو کامل رسانده شد. بعدازآنها، طالبان این وظیفه شنیع ریشه کن ساختن تاک ها

و آتش زدن تاجکستان های شمالی، منطقه ای در شمال کابل را که به تنوع جنس انگور و هوای گوارا مشهور است، ادامه دادند.

تهاجم خونین امریکا و متحدین بر افغانستان، مسئله محیط زیست را وخیم تر ساخت. آنها افغانستان را به یک لابراتواری برای آزمایش سلاح های نو، بشمول شکل محدود سلاح هستوی و کیمیاوی و همچنان بم های حاوی سلفر، مبدل نمودند. از طریق این مانورها، آنها نه تنها به تخریب محیط زیست دست زدند، بلکه ضربات جبران ناپذیری به نسل های آینده افغانستان وارد نموده اند. همین حالا، به تعقیب بمباردها های بیرحمانه امریکا و متحدین، به اثر پخش مؤثرات گازها و مواد سمی، تعداد زیاد نوزادان با سوء تشکل و ناقص الخلقه بدنیا می آیند، و به اینصورت به زندگی رقتبار و پر عذابی محکوم می شوند.

با راندن تانک ها و وسایط نقلیه زرهی عظیم و غول پیکر، قوای امریکا و ناتو هم میدان ها و کشتزارهای ما را در سراسر کشور ویران نموده اند؛ و با شلیک از آن تانک ها و وسایط زرهی، به حیات انسان و نبات نقطه پایان می گذارند.

حد اقل تا چهل سال آینده، ما قادر نخواهیم بود که خود را از اثرات تخریب سلاح های یورانیوم، مواد کیمیاوی و سلفر برهانیم؛ نه هم از هزاران مایمی که در همه جا پراکنده بوده و محیط زیست را آلوده می سازد. به این ترتیب مردم افغانستان باید نسل در نسل از نتایج تخریب محیط زیست رنج ببرند.

به عنوان نتیجه گیری می توان گفت که یکی از عوامل عمده امحای انسان، طبیعت و محیط زیست ابر قدرت ها و قدرت های جهانی زورگو بوده اند، که در پی منافع حقیر و پست خود، بشریت و محیط حیاتی زیستش را تا مرز نابودی رساندند. برای حفظ محیط زیست و دفاع از آن، ما باید علیه عوامل مخرب آن یعنی امپریالیسم و متحدان آن مبارزه کنیم.

اعلامیه

کنفرانس قاره ئی آیکور در کت مندو موفقانه دائر شد

دومین کنفرانس مسلسل قاره ئی هماهنگی بین المللی احزاب و سازمان های انقلابی به روزهای ۲۷ و ۲۸ جولای ۲۰۱۳ در کت مندو منعقد گردید. هیئت های احزاب انقلابی از مناطق مختلف آسیا نظیر ان.سی.پی. (مشعل)، سی.پی.ان. (متحد)، حزب کمونست هند (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونست بنگله دیش و سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان در آن گردهمایی اشتراک نمودند. سرمنتظم کمیته انسجام بین المللی آیکور، رفیق ستیفن انگل از آلمان، هم در آن جلسات حاضر بود. هیئت سی.پی.ان. (ام.ال.) یعنی حزب کمونست هند (مارکسیست - لنینیست) مرکب بود از سرمنشی عمومی حزب رفیق کی.ان. رام چندران و رفیق سنجی سنگوی عضو پولیتبورو، در حالیکه هیئت سی.پی.بی. (حزب کمونست بنگله دیش) شامل رفیق حیدرخان رانو، عضو پرزیدیوم (عضو هیئت رئیسه - مترجم) می شد.

کنفرانس قاره ئی به منظور تدارک کنفرانس جهانی جدید آیکور منعقد گردید. در کنفرانس قاره ئی، گزارش کمیته انسجام آسیایی به بحث گرفته شده و قطعنامه های ذیل هم به تصویب رسید:

- ما حمله بنیادگرایان اسلامی را بر دفتر سی.پی.بی در داکه (پایتخت بنگله دیش - مترجم) محکوم می نمایم.
- ما قوای امریکائی، ناتو و متحدین آنها و قوای ارتجاعی را که افغانستان را در اشغال دارند، محکوم می نمایم و خواهان بیرون شدن فوری همه قوای خارجی از افغانستان می باشیم.

- ما اشغال عراق و تهدیدات به مقابل ایران و کوریای شمالی توسط ایالات متحده و قوای ناتو را محکوم نموده و از مبارزات خلق علیه امپریالیسم در آنجاها پشتیبانی می‌نمائیم.
- ما اشغال و توسعه طلبی اسرائیل بر مردم فلسطین را محکوم نموده و حمایت عام و تام خود را از مبارزه برحق مردم فلسطین برای آزادی شان، اعلام می‌داریم.
- ما مبارزه خلق سوریه را حمایت کامل نموده و هرگونه مداخله خارجی در سوریه، امریکا و ناتو دریکسو و چین و روسیه درجانب دیگر، را محکوم می‌نمائیم.
- ما توسعه طلبی هند در رابطه با نیپال و دیگر کشورهای جنوبشرق آسیا را محکوم نموده و از خلق هند می‌خواهیم تا دست به تظاهرات خیابانی زده و حکومت خود را مجبور سازند تا از آن طرح‌های توسعه طلبانه دست بردارد.

کنفرانس کمیته جدید انسجام و هماهنگ کننده جدید قاره ئی را انتخاب نمود.

کتمندو، تاریخ امروز ۳۱ جولای ۲۰۱۳

سنجی سنگوی - منتظم قاره ئی، آسیا برای آیکور

یادداشت :

۱. ان.سی.پی.(مشعل): حزب کمونست نیپال که با جناح پیوسته با قدرت دولتی در تضاد قرار دارد و میزبان کنفرانس بود.

۲. سی.پی.ان.(متحده): یکی از دو بخش انشعابی حزب کمونست نیپال که پیرواندیشه مائوتسه دون نبوده ولی به مائو و اندیشه اش احترام می‌گذارد.

۳. اعلامیه مسوده شده توسط رفیق سنجی اشتباهاتی در متن انگلیسی داشت. سازمان ما (MLOA) انتقاداتی را همراه با پیشنهادات اصلاحی بر این اعلامیه فرستاد که مورد قبول واقع شد. در همین ارتباط این نامه از طرف مسئول قاره ئی آسیا به سازمانهای آیکور فرستاده شده:

رفقای محترم!

سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان اصلاحات ضمیمه را در اعلامیه کنفرانس آسیائی پیشنهاد نموده است. به نظر من که پیشنهادات شان با روحیه مباحث کنفرانس در تطابق بوده و اعلامیه را بهبود می‌بخشد. لطفاً اصلاحات را برای تکثیر بعدی اعلامیه بکارگیرید.

رفیق شما، سنجی

پیام سازمان مارکسیست لنینیست افغانستان به:

کنفرانس سازمان انقلابی زنان سراسر هند

رفقای عزیز!

از دعوت تان برای اشتراک در کنفرانس ۲۰ اکتوبر سازمان انقلابی زنان سراسر هند (آیروو) در بوبانیشوار از صمیم قلب تشکر می‌نمائیم. با وجودی که متأسفانه قادر نیستیم در این رویداد مهم حضوراً باشما باشیم، ما پشتیبانی کامل خود از داعیه شما را اعلام می‌داریم. زنان در هند و زنان در افغانستان از عین ظلم و استبدادی رنج می‌برند که یوغ فئودالیسم و امپریالیسم بر آنها تحمیل نموده است. مبارزه دلیرانه یکی بدون شک پژواک مبارزه دیگر خواهد بود. ما هرگونه موفقیت ممکن را در نبرد عادلانه تان برای تان آرزو می‌نمائیم.

بدرود های انقلابی

مسئول اول شعبه بین المللی ام. ال. او.ا.

Date : Friday 18 October 2013

To : All India Conference of the All India Revolutionary Women's Organisation (AIRWO)
From : Marxist-Leninist Organisation of Afghanistan (MLOA)

Dear Comrades,

We thank you cordially for your invitation to attend AIRWO's conference on 20 October in Bhubaneshwar. Though, unfortunately, we are not able to be with you on this important occasion, we express our full support to your cause. Women in India suffer from the same tyranny under the yoke imposed by feudalism and imperialism as do women in Afghanistan. One's valiant struggle would necessarily echo that of the other. We wish you all possible success in your just fight.

With revolutionary greetings,

Head of M.L.O.A. International Relations Department

DRAFT REPORT OF THE ASIAN CONTINENTAL COORDINATION COMMITTEE

The Asian Continental Committee of ICOR is pleased to present the report as below for the consideration of the Continental Conference :
The First Asian Continental Conference was held in New Delhi in March 2011 after the holding of the World Conference in 2010. Though it was successfully conducted, this conference could not elect a complete Continental Committee as the Committee elected consisted of only two representatives. In spite of this, the committee started functioning.

The next Continental Conference was only held in November 2011 at Bhubaneshwar. This was attended by 5 of the constituent parties and also by the main coordinator. At this Conference the Asian Continental Coordination Committee consisting of the present three members was elected. The Main Coordinator for the Asian Coordination Committee was also elected. In a sense, we can say that the real work of the Asian Conference started only after this Conference, though some preparations had begun even earlier.

In April 2012, the Asian Peasants Conference was held at new Delhi. This was attended by parties from 6 Asian countries, including Sri Lanka and Phillipines and also a representative of the milk farmers union from Germany. It was also attended by delegations of parties from India and Nepal, which are not members of ICOR like representatives of the

peasant organisations of the UCPN (Maoist) of Nepal and of the RSP from India. All the papers presented including the discussions have already published in the form of a book.

Subsequently, in June this year, the Asian Coordination Committee organised the Asian Conference for Democracy and against Imperialism. This was attended by parties from three countries though there was very wide participation from some of the countries, especially from Nepal where representatives of all the major parties attended the conference. The CPB also sent a strong delegation of 10 though they had just suffered the devastation of their office at the hands of the Islamic fundamentalists as a result of their having led the Shahabaug movement for secularism. The papers presented at this conference and the gist of the discussions will also be presented in the form of a book which is to be brought out soon.

After the 2nd Asian Conference in Bhubaneshwar, the Asian Continental Committee has met twice in 2012 and once in 2013 so far, before this Conference. Besides this, there have been numerous meetings on Skype where the details of organising the Conferences have been discussed. The Asian Continental Committee passed many resolutions, including during the Conferences. Besides these, there were resolutions like the one condemning the arrests of Socialists in Malaysia.

The Asian Continental Committee was able to coordinate the efforts of Asian parties in the activities of ICOR such as the joint campaign against nuclear power and nuclear arms with ILPS. The Asian parties actively participated with the CPI (ML) collecting 35000 signatures and many seminars and meetings being held on this issue in Nepal through the initiative of the NCP (Mashal) and in other countries as well. Representatives from Asia also took part in the European Convention held in October 2012 by the European Continental Conference. ICOR has also been well propagated in the countries where we are active. The statutes of ICOR have been translated into over 10 Asian languages. The statutes have been printed in Hindi, Bengali, Nepali and Malayalam among others.

The work of ICOR in Asia has expanded, but only marginally. Of the original member parties, none have left their membership. On the other hand, one new party, from Nepal has been admitted to membership. The membership of ICOR Asia is now 9. However, some of the members are not regular in attending various programs of ICOR and the reasons for this must be discussed. Efforts have been made to make contact with parties in Sri Lanka and in the West Asian countries. These efforts are likely to bear fruit soon. A delegation from Sri Lanka had also attended

the Asian Peasants conference. However, much work needs to be done in this direction.

The financial report of ICOR is being separately presented. However, there is no expenditure from the central fund of the ACCC. This fund of 2700 Euros which was handed over by the ACCC is still intact. The ACCC has taken the decision to form a trust and register the same in Delhi and to deposit these amounts in their account. This is still to be done. In the meantime, with the sliding in value of Asian currencies, it has been found more profitable to retain the money in Euros. The expenditure on the Asian Peasants Conference and on the Asian Conference for Democracy and Against Imperialism was shared by the participating parties. The accounts for this will be presented separately,

Comrades, we can say that ICOR has made a start in Asia. At a time when the CCOMPOSA has almost disintegrated and the ILPS has split in Asia, the ICOR has a great responsibility. We have to carry forward the work of ICOR. This requires broadening the work of ICOR and making ICOR a more vigorous and active organisation. These are the goals that we can set for ourselves till the next conference.

8 May 2013

The Marxist-Leninist Organisation of Afghanistan (M.L.O.A.) message to the National Convention on Environment in Nepal :

IMPERIALIST AGRESSION THE FACTOR OF ENVIRONMENT DESTRUCTION IN AFGHANISTAN

Dear Friends,

We are glad to have the opportunity to provide a brief account through this message of the big environmental catastrophe taking place in our war-torn country, Afghanistan.

For thirty-four years now, pretenders to “civilization”, these environment destroyers, have transformed Afghanistan into a furnace in which burn human-beings, and in general living creatures, plants and vegetation indifferently.

First, it was the Soviet Social Imperialism which by sending more than one hundred thousand troops, massacred over one million of our population by using, among others, very deadly noxious weapons while trampling our land under the tracks of their tanks and armored vehicles.

They completely destroyed thousands of fields, orchards, forests, and natural water sources of our country by dropping dreadful bombs through intensive and indiscriminate shelling.

By spreading thousands of mines in our vineyards and cultivable lands, they emptied our heavenly sites and resorts, and emptied our towns and villages of their inhabitants; and caused devastation in the environment.

Following the defeat and retreat of Soviet Social Imperialist army from Afghanistan, the Islamic fundamentalists, under the name of *Moujahideen*, in direct collaboration with reactionary regimes of Pakistan and Iran, proceeded to wide looting and plundering, including the intentional damage to the environment. In the same way as the Social Imperialist troops, they continued the brutal destruction of our natural resources. During their reign, the Islamic fundamentalists and their secular rivals, who were openly affiliated to regional powers and imperialism, were always engaged in destructive wars amongst themselves, and in murdering innocent civilians by applying medieval methods of torture and executions. There was no intention to improve farming, people's living conditions, nor any attention paid to the environmental questions. On the contrary, they caused horrifying damage to the environment.

Uncontrolled exportation of livestock towards Pakistan was rife. They uprooted fruit-trees, cutting systematically and cruelly all trees in the dense forests of southern and eastern parts of Afghanistan, in order to sell them at a very low price as timber in the neighbouring Pakistan. They also destroyed the canals and underground brooks, so that the peasants could attempt no resumption of farming activities. Consequently, cultivable lands were changed into sun-burnt deserts.

Through mercenary elements, Pakistani authorities had spread rumours according to which they would buy the roots of pistachio trees at a very high price. Through this evil propaganda, malevolent greedy elements rushed to the prolific pistachio jungles of Baadghis province of Afghanistan, and started uprooting pistachio trees in order to sell them in Pakistan. Thus, a fertile woodland which purified air and was source of beneficial produce, was pushed to the limit of obliteration.

After them, the Taliban continued the evil task by uprooting vines and setting fire to the vineyards of Shamaali, a region north of Kabul, very famous for its various types of grapes and pleasant weather.

The bloody American and allies' invasion of Afghanistan worsened the issue of environment. They transformed Afghanistan into a laboratory to test new weapons, including limited nuclear and chemical weapons as well as sulfur-containing bombs. Through these manoeuvres, they not only have destroyed the environment but have struck irredeemable blows to future generations of Afghans. Already, in the wake of American and allies' ruthless bombardments, due to the effect of toxic substances and gases, a lot of babies were born with congenital deformations, and are condemned to a pitiful and tormenting life.

By riding huge tanks and gigantic armoured vehicles, American and NATO forces, too, have devastated fields and farmlands across the country; and by firing them, they put an end both to man and plants' lives.

For at least forty years to come, we will not be able to get rid of the noxious and deadly effects of the weapons containing uranium, chemicals and sulfur; nor of the thousands of buried mines which have infested and polluted the environment. Thus, generation after generation, Afghan people have to suffer from the consequences of environment destruction.

To conclude, one of the principal factors of man, nature and environment elimination has been superpowers and tyrant world powers, who in search of their mean and petty interests, push the humanity and their vital environment to the extent of annihilation. To preserve, and to defend the environment, we should struggle against its devastating factors, namely the imperialism and its allies.

MLOA

ASIAN CONTINENTAL CONFERENCE OF ICOR SUCCESSFULLY HELD IN KATHMANDU

The 2nd regular Continental Conference of the International Coordination of Revolutionary Parties and Organisations took place in Kathmandu on 27th and 28th July 2013. Delegates of revolutionary parties from various parts of Asia like the NCP (Mashal), CPN (Unified), Communist Party of India (Marxist Leninist), Communist Party of Bangladesh and the Marxist Leninist Organisations of Afghanistan took part in the meeting. The Chief Coordinator of the International Coordination Committee of ICOR, Com. Stefan Engels of Germany also took part in the meeting. The delegation of the CPI (ML) consisted of the Com. K. N. Ramachandran, General Secretary and Com. Sanjay Singhvi, Politburo member while the

delegation from the CPB included Com. Haider Akbar Khan Rano, Presidium member.

The Continental Conference is being held in preparation of a new World Conference of ICOR. The report of the Asian Coordination Committee was discussed and approved and the following resolutions were also passed:

We condemn the attack of the Islamic fundamentalists on the office of the CPB in Dhaka

We condemn the US and NATO and allied forces and reactionary forces who are occupying Afghanistan and call for the immediate withdrawal of all foreign forces from Afghanistan.

We condemn the occupation of Iraq and the threat being given out to Iran and North Korea by US and the NATO forces and support the struggle of the people here against imperialism.

We condemn the occupation of Israeli expansionism upon the people of Palestine and give full support to the just struggle of the people of Palestine for their freedom

We support fully the struggle of the people of Syria and condemn all foreign interference in Syria, with the US and NATO on the one hand and China and Russia on the other.

We condemn Indian expansionist designs upon Nepal and upon other countries of South Asia and call upon the Indian people to take to the streets to compel their Government to give up these designs.

The Conference elected a new Coordination Committee and a new Continental Coordinator.

Kathmandu, dated this 31st day of July 2013
Sanjay Singhvi
Continental Coordinator, Asia
for ICOR

To contact Oqaab: mloa.oqaab@gmail.com :نشانی نشریه عقاب: